

حماسه رستم و سهراب

با توضیح و گزارش

دکتر منصور رستگار فسائی

استاد دانشگاه شیراز

رستگار فسائی، منصور، ۱۳۱۷ -، شارح.

حماسه رستم و سهراب / با توضیح و گزارش منصور رستگار فسائی. - [ویرایش؟].

- تهران: جامی، ۱۳۷۴.

[۲۳۹] ص. - (گنجینه ادب فارسی؛ ۵)

فهرستویسی بر اساس اطلاعات فیفا.

عنوان روی جلد: حماسه رستم و سهراب بر اساس چاپ دکتر خالقی مطلق.

کتابنامه: ص. [۲۳۹].

چاپ چهارم: ۱۳۷۸

ISBN 964-5620-50-3

۱. فردوسی، ابوالقاسم، ۳۲۹-۴۱۶؟ ق. شاهنامه. رستم و سهراب - نقد و تفسیر. ۲.

شعر فارسی - قرن ۴ ق. - تاریخ و نقد. ۳. حماسه و حماسه‌سرایی. الف. فردوسی، ابوالقاسم،

۳۲۹ - ۴۱۶؟ ق. شاهنامه. برگزیده. رستم و سهراب. شرح. ب. عنوان. ج. عنوان: شاهنامه.

برگزیده. رستم و سهراب. د. عنوان: رستم و سهراب.

۸ فا ۱ / ۲۲

PIR۴۴۹۶ / ر ۵ ح ۸

رن / ش ۴۷۳ ن

۱۳۷۴

۷۵-۱۰۰۷۱ م

کتابخانه ملی ایران



انتشارات جامی

خیابان دانشگاه، چهارراه وحید نظری، شماره ۵۲

تلفن ۶۶۴۰۰۲۲۳

حماسه رستم و سهراب

شرح و توضیح از: دکتر منصور رستگار فسائی

چاپ هشتم: ۱۳۸۸

شمارگان ۱۲۰۰ جلد

چاپ: چاپخانه دیبا

حق چاپ محفوظ است

شابک: ۷-۵۰-۵۶۲۰-۹۶۴-۹۷۸

ISBN: 978-964-5620-50-7

فهرست راهنما

فصل اول

- ۷ حماسه‌ها
۹ ساختار حماسه
۱۲ خصوصیات عمده شعر حماسی
۱۴ حماسه اساطیری و تاریخی
۱۵ سیر تاریخی حماسه‌ها

فصل دوم

- ۱۷ مختصات شاهنامه
۱۸ دوره اساطیری
۱۹ دوره پهلوانی
۲۰ دوره تاریخی
۲۰ حماسه‌سرایی پس از فردوسی

فصل سوم

- ۲۴ اسطوره چیست؟
۲۶ حماسه و تراژدی
۲۹ حماسه‌ها و اساطیر بابلی و سومری
۳۰ حماسه گیل‌گمش
۳۲ مهاباراتا (حماسه‌ای از هند)
۳۴ رامایانا
۳۵ هومر و ایلیاد و اودیسه
۳۷ اته‌اید (حماسه‌ای از روم)
۴۱ دیگر حماسه‌های اروپایی
۴۳ اعراب و حماسه

فصل چهارم

- ۴۶ سه دیدگاه بر حماسه رستم و سهراب
۶۴ ۱. دیدگاه استاد منوچهر مرتضوی
۵۱ ۲. دیدگاه استاد زرین‌کوب
۵۹ ۳. دیدگاه شادروان استاد مینوی
۶۹ متن داستان رستم و سهراب

«به نام خداوند جان و خرد»

پیشگفتار

فردوسی و شاهنامه‌اش از قرن پنجم هجری به بعد با جان و دل ایرانیان و هنرشناسان دور و نزدیک، الفتی دیرینه و جاویدان یافته‌اند. زندگی فردوسی برای ملت ما همچون داستان مبارزات و سلحشوریهای قهرمانان شاهنامه، خواندنی و شنیدنی است و شاهنامه مجموعه داستانهائی است که زندگی را ساخته و به آن مفهوم و معنا بخشیده‌اند.

بنابراین می‌توان گفت که فردوسی زندگی را شناخت و در شاهنامه دریافت خود را از آن، به نظم کشید. به همین جهت است که همه داستانهای شاهنامه به دل می‌نشینند و با دل و جان ما مانوس هستند و گاهی احساس می‌کنیم که قهرمانان آن را از دیرباز می‌شناسیم، خود آنهایم یا آنها خود ما هستند و در این میان داستان رستم و سهراب، یکی از غم‌انگیزترین و پرابهام‌ترین ماجراهای شاهنامه یعنی داستان بود و نبود انسان و بازیگریهای سرنوشت است.

امید است که این کتاب توانسته باشد، این داستان را دلنشین‌تر و آشنا‌تر، ساخته و فرزندان فردوسی را در خواندن کتاب وی، بویژه داستان رستم و سهراب، یاری داده باشد.

منصور رستگار فسائی

شیراز ۱۳۷۳/۴/۲۰

فصل اوّل

حماسه و حماسه‌ها

۱

حماسه‌ها

«حماسه‌ها اعم از آنکه سروده شاعری گمنام یا مؤلفی نامدار باشند، یا قرن به قرن و سینه به سینه نقل شده و به اشکال تازه‌ای در آمده باشند، به زایش یک فرهنگ، به نخستین روزهای یک ملت یا یک امپراتوری و گاه حتی به آفرینش جهان ارتباط دارند. زمینه آنها اغلب عصری است که انسان برای نخستین بار از قلمرو خدایان بیرون آمد و وجود مستقلی یافت. قهرمانانشان در نیمه راه میان ابدیت و فنا منزل دارند.

این قهرمانان ممکن است دیگر فناپذیر نباشند، اما فوق بشری‌اند. آنها مدعی مطلق نیستند، بلکه خطاپذیرند و مستعد تردید، شکست، عشق، نفرت و رنج. اما از صفات استثنایی عزم، هوشمندی و قدرت رودرویی با سرنوشت، چیرگی بر بخت ناسازگار، و دگرگون کردن نظام امور برخوردارند. آنان هم کاشفان جهان شناخته‌اند و هم بنیانگذاران شهرهای نو.

قهرمانان حماسی، به دلیل همین صفات، همواره بخش محوری تجربه مشترک جوامع سنتی بوده‌اند و الگوهای روانشناختی، اخلاقی زیبایی شناختی و مذهبی آن جوامع را تعیین کرده و برای همه سرمشقهایی فراهم آورده‌اند تا در آن تعمق کنند. قهرمانان حماسی، گسترده‌تر از خود زندگی و آزاد از قید و بندهایی که بر دوش هموعان سنگینی می‌کند، سرچشمه الهام و برانگیزاننده تخیل اشخاص بسیاری بوده‌اند و آنان را از مصایب و نومیدیهای حیات فراتر برده‌اند.

در شهر و روستا قوالان، شاعران، نقالان، خنیاگران دوره گرد و شاعران آواره در وصف کارهای نمایان این قهرمانان افسانه‌ای می‌سرایند و می‌نوازند و یکنواختی زندگی روزمره را از میان برمی‌دارند، روح جامعه را زنده نگه می‌دارند و نسل به نسل تداوم خاطرۀ ملی را حفظ می‌کنند.

بدین ترتیب، حماسه از انقلابات تاریخ مصون مانده است. اما طی چند دهه گذشته بسیاری از سدهای ارتباطات فرو ریخته است؛ تصویر جای کلام نوشته و تلویزیون جای نقالان گذشته را گرفته است؛ رسانه‌های جمعی قهرمانان فردگرایی را به جهان عرضه می‌کنند که در مسیر سرنوشتشان عنصر سنتی و مقدس دیگری جایی ندارند. حماسه به این ضربه چه واکنشی نشان داده است؟

حماسه، به عنوان یک عامل همبستگی اجتماعی در جوامع سنتی، به تدریج نقشش را از دست می‌دهد. از سوی دیگر، حیات تازه‌ای یافته و مخاطبانش به مراتب گسترده‌تر شده‌اند، زیرا تئاتر، سینما و تلویزیون از فرصت استفاده کرده و به اقتباس از روایاتی از افسانه‌های باستانی روی آورده‌اند و جانمایۀ آنها را در دوره‌ها و زمینه‌های متفاوتی به کار می‌بندند. انبوه روزافزون مردم به این کشف حیرت‌انگیز می‌رسند که میان حماسه‌های بزرگ جهان قرابت‌هایی وجود دارد. تماشاگران در شهرهایی دور از یکدیگر، مثلاً آوینیون یا کاراکاس، حس می‌کنند که با قهرمانان حماسه‌ای ایرانی یا زولو

مستقیماً رابطه برقرار می‌کنند و میان شخصیت‌های حماسی که از زمان و مکان فراتر می‌روند، شباهتهایی می‌بینند.

بدین ترتیب، مردم به حقیقت پی می‌برند که هرچند بسیار کهن است، فقط اکنون کاملاً عیان شده است: رؤیاهای گذشته ما با یکدیگر خویشاوند هستند، نه دشمن، و در زمینه‌ها و با زبانهای بی‌نهایت متنوع همان وحشت از رازهای ناگشوده و همان امید به شادمانیها را بازگو می‌کنند.^۱

۲

ساختار حماسه

در عربی، واژه «حماسه» به معنی شدت و سختی در کار، خشم و درشتی، دشواری و شجاعت و دلیری نمودن در جنگ است و شخص سخت‌کوش و سخت‌گیر را نیز «احمس» گویند. بعلاوه حماسه به رجز و نوعی از شعر نیز اطلاق می‌گردد که در آن از جنگها و دلاوریها گفتگو می‌شود.

«اصطلاح حماسه در ادبیات فارسی که از قدیم‌ترین ادوار نمونه‌های برجسته حماسه را داشته، امری است جدید و کلمه «حماسه» در پنجاه سال اخیر داخل تعبیرات نویسندگان و ادیبان ایرانی شده و گرنه تا پنجاه سال قبل هیچکس شاهنامه را حماسه نخوانده بود. در سالهای اخیر، با توجه به اصطلاح Epie بعضی از ادبا (مقارن جشن هزاره فردوسی ۱۳۱۳ ه.ش) کلمه حماسه را به جای اپیک به کار بردند.... و در دوره معاصر هر نوع شعر را که از

۱- پیام بونسکو: مهر ۱۳۷۰، ص ۱۱.

جنگ (به هر نوعی که باشد) سخن بگوید، «حماسه» خوانده‌اند»^۲.

و یا به تعریفی دیگر

«حماسه یک شعر بلند روایی است درباره رفتار و کردار پهلوانان و رویدادهای قهرمانی و افتخارآمیز روحيات باستانی یک ملت و چشم‌انداز حماسه، وسیع، سبکش عالی و پر آب و تاب و ساختش تفسیر و تفصیل ماهرانه است. این گونه شعر داستانی، منظومه‌ای بزرگ و چندسویه است که آمیزه اسطوره و تاریخ و افسانه و فولکلور است و غالباً در مرحله نخستین یا دوران پیدایش خود از داستان سرودها و روایت‌های شفاهی پراکنده در ستایش پهلوانان و یاد کردهای قومی و نبردهای خاندانی، آغاز می‌شود و در مرحله پایانی یا دوران تدوین و تنظیم هنری خود، به صورت منظومه‌ای یگانه با مشخصات ملی درمی‌آید...»^۳.

بعضی، حماسه را شعر پهلوانی خوانده‌اند که در موضوعی جدی و سبکی عالی در حول محور شخصیتی پهلوانی یا نیمه خدائی که سرنوشت آن ملت یا قبیله و نژاد وابسته به اوست تدوین شده است. گاهی نیز حماسه را نوعی شعر نقلی دانسته‌اند که به یکی از صورتهای گفتار ظاهر می‌گردد و همچون سرودی به وسیله یک گروه از خوانندگان در برابر تماشاگران اجرا می‌شده است. مانند ایلیاد و اودیسه و بیوولف.

معمولاً شعر حماسی در سبکی خاص که با زبان روزمره فاصله دارد سروده می‌شود و متناسب با عظمت موضوع و مفهوم خود زبانی روشن و صریح و در عین حال حرکت‌آفرین و مؤثر دارد که نمونه کامل و جهانی آن شاهنامه فردوسی است که از جهت فصاحت و بلاغت و به کارگیری واژه‌های پارسی و ترکیبات فاخر و تأثیرگذاری بر خوانندگان و تربیت مادی و معنوی

۲ - دکتر محمدرضا شفیع کدکنی، انواع ادبی و شعر فارسی، خرد و کوشش، شماره ۱۱ و ۱۲

۳ - محمد مختاری، حماسه و رمز و راز ملی ص ۲۱.

آنان، از بی‌ماندترین آثار مکتوب زبان فارسی به شمار می‌آید و در آن، زبان و بیان و مبالغه‌ها، تشبیهات، استعارات، تصاویر همه در خدمت حماسه هستند و عمق روح پهلوانی و شجاعت و سلحشوری عنصر ایرانی را کاملاً نشان می‌دهند و به بهترین وجهی غرور ملی و سنتهای فرهنگی و اجتماعی و همبستگی‌های تاریخی قوم ایرانی را که بر مبنای علائق دیرین و مشترکات همه‌جانبه استوار است، بازگو می‌نمایند.

«گاهی معنای حماسه را توسع داده و آن را به آثاری که در یکی از ابعاد دارای روح حماسی باشند اطلاق می‌کنند. فی‌المثل کم‌دی الهی دانته و موبی‌دیک ملول و جنگ و صلح تولستوی را حماسی می‌خوانند. حتی نورترپ فرای، انجیل را نیز «حماسه» خوانده است. اما با آنکه هزارها سال از عمر تمدن بشری می‌گذرد، تعداد حماسه‌های اصیل جهان زیاد نیست، زیرا فقط برخی از اقوام بزرگ و قدیمی به لحاظ موقعیت خاص جغرافیائی و سیاسی و اجتماعی خود، دارای حماسه بوده‌اند و آن را تدوین کرده‌اند.^۴

حماسه‌های قدیمی بیشتر منظومند و مسائل و مشکلات و مبارزات جدی و حیاتی مردم روزگاران گذشته را باز می‌گویند و از آنجاکه در حماسه‌ها همیشه پهلوانان و دلاوران از جان گذشته مسیر حوادث را به نفع ملت‌ها تغییر داده‌اند، حماسه را شعر پهلوانی نیز نامیده‌اند.

۳

خصوصیات عمده شعر حماسی

- ۱ - جنبه داستانی دارد و اغلب داستانهای مفصل را به خود اختصاص می‌دهد که هر داستان دارای اجزاء فرعی بسیار است، ولی در عین حال دارای وحدت قهرمان و حادثه اصلی است.^۵
- ۲ - حماسه جنبه قهرمانی، اساطیری، تاریخی یا مذهبی دارد و از افرادی سخن می‌راند که از لحاظ جسمی و روحی از دیگران ممتازند و قادر بر انجام کارهای فوق‌العاده هستند.
- حوادث و وقایع غیر عادی و موجودات غیرطبیعی در حماسه، با جنبه‌های اسطوره‌ای و قهرمانانه درمی‌آمیزد و از دیو و اژدها و عمرهای طولانی و سیمرخ و مسائل شگفت‌انگیز دیگر در آن استفاده می‌شود.
- ۳ - محور حوادث حماسی، مسائل دینی، تاریخی و ملی است.
- ۴ - حماسه اگر چه از وقایع دور از دست و بسیار کهن سخن می‌راند، اما اشتراکی عمده با مسائل واقعی عصر شاعر و مردم روزگاران بعد دارد و به همین دلیل از واقعیتها سرشار است، فی‌المثل اگر چه فردوسی از وقایعی دور از عصر خویش سخن می‌گوید اما تصویرهایی جامع از اجتماع عصر خود را نیز نشان می‌دهد که از روی آن می‌توان وضع اقتصادی، اداری، اجتماعی، قوانین و آداب و رسوم زمان سراینده داستان را شناخت.
- ۵ - حماسه از وحدت کامل مفاهیم برخوردار است، آغاز و انجام خاصی دارد و در آن عقده یا گرهی است که باید گشوده شود و از همین جهت

۵ - به نقل از صفحه ۷۵۳ تا ۸۶۳ انواع شعر فارسی از دکتر منصور رستگار فسائی، انتشارات نوید،